

نگاهی به رمان و داستان‌های ترک‌های ایران

(نویسندگان، تکنیک‌ها و اسلوب‌ها)

بر اساس تز دکترای
دکتر بهادر گوجو یئتر



مترجم:

دکتر کریم پوراکبر خیاوی

نگاهی به‌رمان و داستان‌های ترکیه‌ای ایران
(نویسندگان، تکنیک‌ها و اسلوب‌ها)

بر اساس تز دکترای

دکتر

بهادر گوجو یئتر

مترجم

ک. پورا کبرخیاوی

سرشناسه : گوجو یئتر، بهادر
Gucuyeter, Bahadir
 عنوان و نام پدیدآور : نگاهی بهرمان و داستان‌های ترکهای ایران (نویسندگان، تکنیکها و اسلوبها) / بر
 اساس تز دکترای پروفسور بهالالدین گوجو یئتر؛ مترجم ک. پورا کبرخیاوی.
 مشخصات نشر : تبریز: انتشارات آذر تورک، ۱۳۹۶.
 مشخصات ظاهری : ۲۶۴ ص؛ ۲۱/۵×۱۴/۵ س.م.
 شابک : ۹۰۷۸-۶۰۰-۸۳۴۳-۷۶-۹
 وضعیت فهرست نویسی : فیبا
 موضوع : داستان‌های ترکی -- تاریخ و نقد
 موضوع : Turkish fiction -- History and criticism :
 موضوع : داستان‌های ترکی -- ایران -- تاریخ و نقد
 موضوع : Turkish fiction -- Iran -- History and criticism:
 شناسه افزوده : پورا کبرخیاوی، کریم، ۱۳۳۰ - مترجم
 رده بندی کنگره : PL۲۴۰/۴۹.ن۸ ۱۳۹۶:
 رده بندی دیویی : ۸۹۴/۳۵۳:
 شماره کتابشناسی ملی : ۴۸۶۴۱۸۸ :



نگاهی بهرمان و داستان‌های ترکهای ایران بهادر گوجو یئتر

مترجم / کریم پورا کبرخیاوی

انتشارات آذر تورک/ با همکاری انتشارات نباتی

تیراژ ۱۰۰۰ ج / قطع /رقعی

چاپ اول ۱۳۹۶ / تعداد صفحه / ۲۷۰

قیمت ۱۵۰۰۰۰ ریال

شابک/۹-۷۶-۸۳۴۳-۶۰۰-۹۷۸

مرکز فروش: تبریز- مابین سه راه طالقانی و تربیت

مجتمع تجاری استاد شهریار زیرزمین - پلاک ۴۶ تلفن : ۳۵۵۴۷۵۱۰

فهرست مطالب

۷.....	پیش‌گفتار مترجم.....
۱۱.....	پیش‌گفتار نویسنده.....
۱۳.....	مقدمه.....

تکامل رمان و داستان در ادبیات ترک ایران

۱۹.....	پیشرفت و تکامل نوع رمان و داستا.....
۲۷.....	تولد و تکامل رمان و داستان در ادبیات ترک‌های ایران.....
۲۷.....	رمان و داستان بین سال‌های ۱۹۰۰ - ۱۹۴۵ در ادبیات ترک‌های ایران.....
۳۱.....	داستان و رمان ترک‌های ایران بین سال‌های ۱۹۴۵ - ۱۹۷۹.....
۴۰.....	داستان و رمان ترک‌های ایران بعد از انقلاب اسلامی سال ۱۹۷۹.....

موضوع‌ها در داستان و رمان‌های ترک ایران

۵۳.....	مسئله‌ی کاربرد.....
۵۸.....	زندگی روستائی.....
۶۵.....	حقوق زنان.....
۶۷.....	مسائل سیاسی.....

عناصر مادی (ساز و برگ) در داستان و رمان ترک ایران

۷۲.....	کادر اشخاص.....
۷۵.....	زمان.....
۸۱.....	مکان.....
۸۶.....	راوی و دیدگاه.....

نویسندگان و تحلیل آثارشان

۸۹.....	گنجعلی صباحی (۱۲۸۵ - ۱۳۶۷).....
۹۴.....	متن داستان اووچو (شکارچی).....
۱۰۲.....	بررسی داستان شکارچی.....
۱۰۶.....	علی حسین زاده (داشقین).....
۱۱۶.....	بررسی رمان بیچاق و سوموک (چاقو و استخوان).....
۱۲۶.....	ناصر منظوری (۱۳۳۷).....
۱۲۹.....	بررسی رمان قاراچوخا.....
۱۳۳.....	علیرضا ذیحق (۱۳۳۸).....

۱۳۸.....	باشی بلالی دیلیمیز "داستان طنز" (متن)
۱۴۲.....	بررسی داستان باشی بلالی دیلیمیز.....
۱۴۶.....	عیوض طاها (۱۳۴۳)
۱۴۹.....	بررسی رمان قورشون هاردان آچیلدی (گلوله از کجا شلیک شد).....
۱۵۶.....	حیدر عباسی (باریشماز)
۱۵۷.....	مرداب ایله مباریزه (مبارزه با مرداب) (متن).....
۱۸۵.....	بررسی داستان مبارزه با مرداب.....
۱۸۸.....	عزیز محسنی (۱۳۰۴)
۱۹۲.....	داستان پیر پالان دوز (متن).....
۲۰۰.....	بررسی داستان پیر پالاندوز.....
۲۰۱.....	عباد ممی زاده (آغداشلی) (۱۳۳۰)
۲۰۲.....	بررسی رمان شامان.....
۲۰۶.....	نگار خیایوی (۱۳۳۹)
۲۰۷.....	متن داستان قَییر آدرسی (نشانی مزار).....
۲۱۷.....	بررسی داستان قَییر آدرسی.....
۲۱۸.....	عبدالمجید چاوشی زاده
۲۱۹.....	پیشیک باسان، متن داستان.....
۲۲۸.....	بررسی داستان پیشیک باسان.....
۲۳۲.....	عادل قلی پور (۱۳۶۶)
۲۳۲.....	متن داستان مینیش.....
۲۳۴.....	بررسی داستان مینیش.....
۱۷۲.....	علی عباسی (۱۳۵۹)
۲۳۶.....	داستان سه ساعت آزادی (متن).....
۲۳۷.....	بررسی رمان سه ساعت آزادی.....
۲۴۳.....	نسرین شیرمحمدزاده (۱۳۴۹)
۲۴۳.....	متن داستان «سترین اولیندن یازاق» (از اول سطر بنویسیم).....
۲۶۴.....	بررسی داستان «از اول سطر بنویسیم».....
۲۶۸.....	نتیجه.....

پیش‌گفتار مترجم

ترک‌های ایران که بعد از ترکیه بالاترین کمیت ترک‌زبانان را در جهان در محدوده جغرافیائی ایران تشکیل می‌دهند، هیچ وقت فرصت این را نیافته و یا بهتر گفته باشیم این امکان را نداده‌اند تا ادبیات مکتوب خود را ایجاد بکنند. این مردم در طول قرن‌ها ادبیات شفاهی خود را مطابق با روانشناسی و روحیات ملی خود آفریده و در جشن و شادی‌ها، غم و روزهای بحرانی خود در قالب «بایاتی»‌ها و سروده‌های عاشیقی ترنم کرده‌اند.

پس از به‌قتل رسیدن نادرشاه و تقسیم خاک آذربایجان در میان خان‌های مختلف و تحت نام‌های گوناگون، اگر چه ماهیت سیستم حکومتی خان‌نشین‌های موجود از نظر تاریخی - طبقاتی یکسان بود، ولی هر کدام بنا به سلیقه‌ی شخصی خان‌های خود اداره می‌شدند. هیچ زمان این خان‌ها بنا به ماهیت طبقاتی خود نتوانستند حول محور برنامه‌ای مشخص به وحدت برسند، هرچند تلاش‌هایی از جانب بعضی از آنها در این راستا انجام گرفت. با سرازیر شدن لشکر روسیه تزاری از سمت شمال به خاک آذربایجان که از سالها پیش چشم طمع به آن دوخته و آرزوی رسیدن به آب‌های خلیج فارس را در سر می‌پروراند، این خان‌نشین‌ها به نوبت تحت تسلط قوای روسیه در آمده و در نهایت با انعقاد قرارداد ظالمانه‌ی ترکمنچای در سال ۱۸۲۸ آذربایجان به دو قسمت تقسیم گردید. از این تاریخ به بعد برای هر قسمت از آذربایجان سرنوشت و راه رشد جداگانه‌ای رقم خورد. مرکزیت فرهنگی و هنری تبریز به تفلیس منتقل شد. آذربایجان شمالی به دلیل ارتباط نزدیکی که با روشنفکران اروپا و به‌ویژه با روشنفکران روسیه و مخصوصاً با دکابریست‌های تبعیدی به تفلیس داشتند و امکاناتی را که حکومت تزاری

برای ادامه‌ی تحصیلی تعدادی از روشنفکران آذربایجان در دانشگاه‌ها و مراکز عالی تحصیلی شهرهای بزرگ روسیه در اختیار آنها قرار داده بود، زمینه‌ی مناسب و هرچند محدودی را برای فعالیت فرهنگی و هنری آنها فراهم نمود. وقوع انقلاب اکتبر سال ۱۹۱۷ و تسلط بلشویک‌ها از سال ۱۹۲۰ به بعد بر آذربایجان و تشکیل جمهوری سوسیالیستی آذربایجان، زمینه‌ساز مناسبی برای فعالیت‌های گسترده‌ی فرهنگی و هنری بود. به‌رغم تسویه‌های خونین استالین که هنرمندان، شعرا و نویسندگان گرانقدری را از عرصه‌ی هنر و ادب آذربایجان ربود، اقدامات زیربنائی و علمی مهمی در پایه‌ریزی عرصه‌ی ادبی و هنری صورت پذیرفت. زبان ادبی در سطح بسیار پیشرفته‌ای ایجاد و داستان، رمان و شعر مطابق با استانداردهای ملی و بین‌المللی پیشرفت نمود. این پیشرفت‌ها در درجه‌ی اول مدیون پایه‌ریزی اصول و مبانی زبان ترکی آذربایجانی و گسترش تحصیل و تدریس به‌زبان مادری بود که زمینه را برای توسعه و گسترش در عرصه‌های مختلف ادبیات مهیا میکرد.

آذربایجان سمت جنوب رود ارس تاریخی متلاطم همراه با پستی بلندی‌های فراوانی را از سر گذراند. حل تضاد موجود میان رژیم‌های خودکامه و بدنه‌ی جامعه و استقرار قانون در جامعه‌ی ایران سرلوحه‌ی مبارزات روشنفکران و قهرمانان آذربایجان در طول سده‌های اخیر بوده‌است. این مسئله و موقعیت استراتژیک و ژئوپولیتیک آن همواره وضعیتی آشفته را به آذربایجان تحمیل نموده‌است. رژیم پهلوی مخصوصاً در دوره‌ی محمدرضاشاه با تعقیب سیاست نفی هویت ملی ترکی با محوریت محور زبان ترکی آذربایجانی و تعقیب سیاست «چاپ حتی یک کلمه ترکی ممنوع می‌باشد» زمینه‌ی کوچکترین فعالیت ادبی به‌زبان ترکی را از میان برداشته بود. فعالیت در عرصه‌ی نثر به‌دلیل عدم وجود امکانات چاپ که لازمه‌ی آن می‌باشد، تنگتر و حتی از میان برداشته شده‌بود، و اگر فعالیتی نیز در

نگاهی به‌رمان و داستان‌های ترک‌های ایران / ۷

این زمینه صورت می‌گرفت، در بایگانی‌های شخصی به‌فراموشی سپرده می‌شد. این محدودیت‌های ظالمانه اغلب فعالین عرصه‌ی ادب ترک‌های ایران را به‌سمت شعر که اغلب آن نیز به‌سرودن اشعار مذهبی محدود می‌شد، سوق داده‌بود. نتیجه‌ی چنین فرآیندی ادبیات ترک‌های ایران را به‌ادبیاتی تک بُعدی متکی به‌شعر تبدیل نموده‌بود. واضح است که چنین روندی نمی‌توانست زمینه‌ساز ایجاد زبان ادبی که شاخصی حیاتی در رشد و شکوفائی ادبیات یک ملت محسوب می‌شود، باشد.

از طرف دیگر عدم وجود امکان تحصیل و تدریس به‌زبان مادری که مستلزم ایجاد زبان نثر در چهارچوبی علمی که مورد قبول و وحدت فعالین عرصه‌ی ادبیات باشد و در کنار آن غیبت موسسات عالی و فرهنگستان زبان ترکی به‌منظور رصد و رهنمون ساختن آثار نثر در مسیری واحد و علمی، بزرگترین مشکلی بود که نویسندگان را از ورود به‌عرصه‌ی نثر باز میداشت.

علیرغم تمام این مشکلات مبارزین صادق و خستگی ناپذیری همچون گنجعلی صباحی و محمدتقی زهتابی که در کوران مبارزات دمکراتیک مردم خود آبدیده و اهمیت ضرورت تلاش در عرصه‌ی نثر را در ادبیات ترک‌های ایران تشخیص داده بودند، در هر فرصت مناسب اقدام به‌انتشار آثار منشور خود نمودند. پس از انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ و فراهم شدن امکانات چاپ و نشر برای آثار ادبی ترک‌های ایران، نویسندگان ترک بدون گذراندن کوچکترین دوره‌ی آموزشی در عرصه‌ی اسلوب نگارش نثر به‌زبان مادری و تنها با اتکا به‌خلاقیت و هنر ذاتی خود اقدام به‌خلق داستان و رمان نمودند. هر چند اغلب این آثار از استانداردهای داستان و رمان نویسی و بویژه از نقطه نظر تکنیک، دیدگاه و مفهوم نسبتاً در سطح پائینی قرارداشتند، ولی از این نظر که به‌تولید اثری نثر در زبان مادریمان پرداخته می‌شود حائز اهمیت می‌باشد.

کتاب حاضر براساس تز دکترای پرفسور دکتر بهادر گوجویتر ترجمه و آماده شده‌است. در این کتاب ضمن بررسی داستان و رمان بطور عام، تحقیقی کامل در مورد نگارش اولین داستان و رمان ترک‌های ایران و چگونگی ادامه‌ی آن به‌عمل آمده‌است. نویسنده ضمن ارائه‌ی نمونه‌هایی از داستان‌ها و خلاصه‌ی متن رمان‌های نوشته‌شده تا تاریخ نگارش پایان نامه (۲۰۰۹)، به بررسی سبک‌های روایی و تکنیک‌های بکارگرفته‌شده از طرف نویسندگان پرداخته‌است. معلوم است که طی چند سال گذشته آثار دیگری از نوع داستان و رمان که شاخصی اساسی در شناخت عرصه‌ی ادبیات یک ملت محسوب می‌شود، نیز توسط نویسندگان محترم به‌نگارش در آمده‌است. آنچه مسلم است، نقد و تحلیل این آثار قدم ارزشمند و بزرگی در راستای تکامل و غنای داستان و رمان ترک‌های ایران خواهد بود. امید است این ترجمه خدمتی هر چند کوچک در این راستا و قدمی در معرفی داستان و رمان‌های ترک‌های ایران به هم وطنان فارسی زبان باشد.

ک. پوراکبر خیاوی

پیش‌گفتار

نبود تحقیق و بررسی در زمینه‌ی داستان‌ها و رمان‌های ترک‌های ایران در عرصه‌ی تورکولوژی، کاملاً مشهود می‌باشد. بدون شک حضور این مسئله‌ی مهم در این عرصه با مقیاسی بزرگ به‌عیان قابل لمس می‌باشد. اگر این موضوع به‌خوبی مورد تحقیق و بررسی قرارنگیرد، بحث‌های انجام شده در مورد ترک‌های ایران نیز به‌سرانجامی قابل قبول منتهی نخواهد شد. با در نظر گرفتن تمام این موارد، داستان و رمان‌های معاصر ترک‌های ایران به‌عنوان موضوع این کتاب انتخاب شده است.

ترک‌ها از زمان‌های قدیم در مناطق مختلف دنیا به‌تشکیل امپراطوری‌ها و دولت‌های بزرگ اقدام و در طول زمان تعدادی از این دولت‌ها استقلال خود را از دست داده‌اند. امروز ترک‌هائی که در محدوده‌ی جغرافیائی ایران زندگی می‌کنند، بعد از ترکیه پر جمعیت‌ترین منطقه‌ی ترک‌نشین را تشکیل می‌دهند. ترک‌های ایران که قبل از ترک‌های ترکیه به‌تشکیل سرزمین ترک پرداخته و اداره‌ی ایران زمین تا سال ۱۹۲۵ به‌جزء وقفه‌ای که در اواسط ایجاد شد، توسط خاندان‌های ترک صورت می‌گرفت، امروز در ایران به‌عنوان یک اقلیت قومی محسوب می‌شوند.

ترک‌های ایران در دوره‌ی رژیم شاهنشاهی از به‌کارگیری زبان و ادبیات ترک محروم بودند. اشخاصی که در مقابل این سیاست رژیم به‌مقاومت می‌پرداختند، با ظلم و فشارهای مختلف روبرو شده و در معرض مارک‌های گوناگون قرار می‌گرفتند. علیرغم این همه ظلم و ممنوعیت‌ها ده‌ها نویسنده، شاعر و ادیب، ترک‌های ایران را در محرومیت از رمان و داستان به‌زبان مادری خود رها نساختند. در حال حاضر نزدیک به‌شصت نویسنده‌ی رمان و داستان به‌زبان ترکی در ایران وجود دارد. ده‌ها داستان کوچک و بزرگ

در روزنامه و نشریات مختلف به‌زیر چاپ می‌روند. در این کتاب با در نظر گرفتن اینکه موضوع اصلی آن بررسی داستان و رمان می‌باشد، لذا از پرداختن به ادبیات شعر و هنر عاشیقی و داستان‌های مردمی که نقش بزرگی را در حفظ زبان ترکی و ادبیات آن دارند، خودداری می‌کنیم. داستان و رمان ترک‌های ایران در سال‌های اخیر شاهد پیشرفت‌های درخشانی بوده‌است. در این کتاب به‌سحر و افسون‌های رمان و داستان‌های معاصر ترک خواهیم پرداخت.

جا دارد در اینجا از استاد گرانقدر خود دکتر **علی قفقازلی** که در طول فعالیت‌هایم مرا از کمک‌های مادی و معنوی خود محروم نساخته و راهنما و مشوق من در این کار، که قدمی کوچک در عرصه‌ی فرهنگ و ادبیات ترک می‌باشد، بود تشکر و قدردانی کنم. در واقع این کار برای من، هم وظیفه و هم سعادت بزرگی می‌باشد. همچنین از پروفسور دکتر **اؤندر گوچگون** که در گشایش گره‌های فکری یاورمان بودند و از دکتر **اردوغان اهربای** که چیزهای زیادی را از او آموختم، قدردانی می‌کنم. وظیفه خود می‌دانم که از دکتر **خالد دورسون اوغلو** نیز تشکر بکنم.

مقدمه

در طول تاریخ، ترک‌ها در محیط‌های جغرافیایی متفاوتی زندگی کرده و حکمرانی کرده‌اند. تحقیق در مورد تاریخ و فرهنگ مردم ترک که هیچ ملتی چنین فرآیندی را طی ننموده است، قالبی حقیقتاً مشکل و بخرنجی را دارا می‌باشد. **ابراهیم قفس اوغلو**^۱ در اثر خود به نام «فرهنگ ملی ترک»، ضمن تأکید روی این مسئله، راه حل آنرا نیز ارائه نموده است. "در ارزیابی تاریخ ترکان نکات زیر را که وجوه تمایز آن با سایر ملل می‌باشد، باید مد نظر قرار گیرند:

آ) به‌خاطر اینکه انسان‌های تمام ملل به‌صورت جمعی در یک جا ساکن بوده‌اند، در حالیکه تثبیت و تدقیق هر وضعیتی در مورد آنها کاری ممکن می‌باشد، به‌دلیل اینکه توده‌های مختلف ترکان به‌یک زندگی پراکنده مشغول بوده و به‌اعتبار آن، فرایند پیشرفت متفاوتی را تعقیب نموده‌اند، ارزیابی تاریخ ترکان در مقطعی از زمان و در تمام ابعادش کار آسانی نخواهد بود.

ب) در حالیکه پراکندگی سایر ملت‌ها، که تاریخ و حتی سرحداتشان در درون محدوده‌ی معین جغرافیایی جریان داشت، در چهاچوب سرزمین‌های غیرقابل تغییر میهن حادث می‌شد، جوامع مختلف ترک تاریخ خود را در پی یافتن اقلیم‌ها و سرزمین‌های نو گم می‌کردند.

به‌همین خاطر در هر یک از دوره‌های تاریخی گذشته به‌خاطر اینکه در مناطق متفاوت، اجتماع مختلف ترکان و حکومت و دولت‌های آنها قابل مشاهده می‌باشد، وقتی صحبت از تاریخ ترک به‌میان می‌آید، تنها صحبت از تاریخ اجتماع مشخص در سرزمین معین در میان نبوده بلکه درکی از

۱- ابراهیم قفس اوغلو (۱۹۱۴-۱۹۸۴) تاریخ‌دان، ترک‌ولوگ و آکادمیسین. از ایدنولوگ‌های ترک - اسلام. م

کلیت «تاریخ» هائی که در مناطق مختلف توسط زمره‌هائی از ترکان که زیر نام ترک و یا زیر نام‌های ویژه، تحت حاکمیت حکومت خاندان دیگر بوده و به همراه زبان، دین، آداب و سنن، حامل فرهنگ «ملی» نیز بودند، مدّ نظر می‌باشد.^۲

علی قفقازلی نیز در تحقیقاتی که در زمینه‌ی ادبیات ترک‌های ایران به‌عمل آورده‌است، این مسئله را چنین توضیح می‌دهد:

در حالیکه تاریخ ترک را نمی‌توان منحصر به فرآیند حوادثی که در آنادولو و یا مناطق دیگر رخ داده‌است، نمود، ادبیات ترک را نیز نمی‌توان عبارت از دست‌آوردهای ادبیات خاصی که محصول یکی از جوامع ترک موجود در آنادولو و یا هر منطقه‌ای از کره‌ی زمین که در داخل سنت خود و به‌شکل متفاوت از دیگری به‌وجود آمده‌است، دانست. به‌عبارتی دیگر، وقتی صحبت از تاریخ ترک، ادبیات ترک، موسیقی ترک و بالاخره فرهنگ ترک در میان باشد، اندیشیدن در مورد «مناطق فرهنگی ترک» به‌عنوان واحدی که همه جای آن در بیرون از مفهوم سرحدات سیاسی منطقه‌ی جغرافیائی معاصر قرار گرفته و این فرهنگ را در درون خود پرورانده و می‌پروراند، ضروری می‌باشد»^۳

جین پاول رو^۴ تاریخدان فرانسوی در مقدمه‌ی کتاب خود بنام "تاریخ ترکان" این مسئله را چنین توضیح می‌دهد:

«موضوع اصلی این کتاب تاریخ جوامع پر از دحام ترکان که بعد از میلاد تا سال‌های ۲۰۰۰ در آسیا، اروپا و آفریقا و امروز نیز در مناطق مختلف دنیا زندگی می‌کنند، می‌باشد. بدون شک ترک‌های ترکیه یکی از محکم‌ترین

^۲- ابراهیم قفس اوغلو، فرهنگ ملی ترک، انتشارات اوتکن، استانبول، ۲۰۰۷، ص. ۴۱.

^۳- علی قفقازلی، عاشیق‌های ملی ترک‌های ایران و هویت ملی، انتشارات سالکیم سوپوت، ارضروم، ۲۰۰۹.

ص. ۱۵.

^۴- Jean-Paul Roux م

نگاهی به‌رمان و داستان‌های ترک‌های ایران / ۱۳

شاخه‌های درخت بزرگ ترک را به‌وجود می‌آورد، ولی شاخه‌های دیگری نیز در این درخت وجود دارند.^۵

حتی امروز نیز وقتی به‌تحقیق در مورد ادبیات اجتماع ترک‌انی که در یک منطقه‌ی جغرافیائی زندگی ولی منتسب به‌قبایل متفاوت هستند، پرداخته می‌شود، مسائل مختلفی نمایان می‌گردد. چنانکه ادبیات ترک را در زیر سلطه‌ی حاکمیت زمره‌ای معین مورد تحقیق و بررسی قرار داده و آن را تنها در محدوده‌ی همان زمره ببینیم، در واقع این اقدام چیزی جز کم عمق جلوه‌دادن فرهنگ و ادبیات ترک نخواهد بود.

زمانی که محور بحث ادبیات مردم ترک که در منطقه‌ی گسترده‌ای از جهان پراکنده‌اند، باشد، تعیین حدود فعالیت کاری است بس دشوار. به‌همین خاطر کارهائی که قرار است در زمینه‌ی ادبیات ترک انجام گیرد نباید تنها به‌یک منطقه‌ی جغرافیائی و مقطعی از زمان محدود شود. به‌همین خاطر لازم است کارهائی که بر روی ادبیات قسمت‌های متفاوت انجام می‌گیرد، بعداً جمع‌بندی شده و مورد فعالیت‌های تطبیقی قرار گیرد. فعالیت‌های تطبیقی صورت گرفته بر روی ادبیات ترک، ضمن تثبیت وقفه‌ها و تفاوت‌هائی که به‌دلیل ایجاد حوادث سیاسی در فرایند تاریخی ایجاد شده‌اند، لزوماً در خدمت متبلور ساختن خصوصیت‌های مشترک قرار خواهد گرفت. از این نظر که تفاوت‌های موجود نشان دهنده‌ی غنای ادبی و وجود نقاط مشترک، دلیل وحدت قبایل ترک در اساس و ریشه را به‌نمایش می‌گذارد، از اهمیت بزرگی برخوردار می‌باشد.

تحقیق و بررسی فرهنگ و ادبیات ترکان که در مناطق متفاوت جغرافیائی و تحت شرایط مختلف زندگی می‌کنند، راهنمای تاریخ در روشن شدن موضوعات زیادی که هنوز در پرده‌ی ابهام مانده‌اند، خواهد بود. زیرا ادبیاتی

^۵ - جین پاول رو، تاریخ ترکان، انتشارات کاباکجیل، استانبول، ۲۰۰۷، ص. ۱۷.

که توسط یک ملت ایجاد می‌شود، وسیله‌ای است برای فهم شکل درک آن ملت از دنیا، و فهم ماجرای مربوط به‌او در روند تاریخ.

"تاریخ ادبیات در کل، بخشی بسیار مهم از تاریخ - به عبارتی واضح‌تر تاریخ فرهنگ - می‌باشد. بررسی و تحقیق کلیه محصولات قلم یک ملت که مشخص‌کننده‌ی پیشرفت‌های فکری و حسی آن در طول قرن‌ها می‌باشد، زندگی معنوی آن ملت را به‌همان صورتی که در واقعیت موجود است به‌نمایش می‌گذارد. ادبیات هر ملتی می‌تواند صمیمی‌ترین آئینه برای انعکاس روح ملی و زندگی ملی آن ملت به‌شمار آید. یک ملت چه نگاهی به‌زندگی دارد؟ چگونه می‌اندیشد؟ چگونه احساس می‌کند؟ ما صحیح‌ترین و با روح‌ترین جواب این سئولات را در فکر و اندیشه‌ها و محصولات قلم آن ملت می‌توانیم بیابیم. در چنین حالتی است که تاریخ ادبیات، شعبه‌ای از تاریخ خواهد بود که پیشرفت‌های مادی و معنوی یک ملت را در پس آثار ادبی مشاهده و به‌نمایش نیز خواهد گذاشت".^۶ کلیه کارهای انجام‌شده در مورد ادبیات ترک در روشنگری نقاط تاریک موجود در تاریخ و ادبیات ترک نقشی خواهند داشت. به‌ویژه تحقیق و بررسی فرهنگ و ادبیات اقوام ترکی که سال‌های مدیدی را تحت حاکمیت سایر ملت‌ها از هرگونه حقوقی محروم بوده و محروم می‌باشند، تاثیر مفیدی بر روی این موضوع خواهد داشت.

بعد از ترکیه، ایران پرجمعیت‌ترین منطقه‌ی جغرافیائی ترک‌زبانان را تشکیل می‌دهد. مهمترین مسئله‌ای که در بررسی ساختار دموگرافیک (جمعیت‌شناسی) ترک در محدوده‌ی جغرافیائی ایران به‌چشم می‌خورد، وجود ویژگی خلاصه‌ای از جهان ترک بودن در این منطقه‌ی جغرافیا می‌باشد. ایران به‌صورت کوریدور عبوراز مشرق به‌طرف مغرب بین

^۶ - کوپرولو محمد فوات، تاریخ ادبیات ترک، انتشارات اچیق. آنکارا، ۲۰۰۳، ص. ۳۷.

نگاهی به‌رمان و داستان‌های ترک‌های ایران / ۱۵

ترکیه و آسیای میانه، همچنین از شمال به‌طرف جنوب، میان ممالک قفقاز و خلیج فارس قرار دارد. چنانکه از نقطه نظر تاریخی نیز به‌مسئله نگریسته شود، اهمیت این منطقه جغرافیائی به‌دلیل قرارگرفتن بر سر راه کوچ و کاروان‌هایی که از آسیای میانه سرچشمه می‌گرفتند، بیشتر جلب توجه خواهد کرد.

"جامعه‌ی ترک ایران در مرکزی‌ترین نقطه‌ی دنیای ترک واقع شده و به‌دلیل اینکه قرن‌ها بر سر راه ترک‌های آسیای میانه، شرق دور، شرق میانه، آنادولو و ترک‌های قفقاز، قرارگرفته است، زمینه را برای فرهنگ و هنر آن به‌صورت شکل خلاصه شده‌ای از فرهنگ و هنر دنیای ترک فراهم نموده است. علاوه بر این، به‌دلیل اینکه ایران یکی از ممالک زیبای کره‌ی زمین بوده و در منطقه‌ی مهمی از دنیا قرارگرفته و دارای معادن پربار زیرزمینی بوده و با داشتن طبیعت زیبا و آب و هوای مطبوع بر سر راه‌های تجاری واقع شده است، از قرن‌ها قبل زمینه را برای رشد هنر و فرهنگ فراهم نموده است. و بخاطر همین پیشرفت و زیبایی‌های خود هیچ وقت نتوانسته است سر خود را از بلایا نجات داده و همواره تحت نظر چشمان طمع بوده است."^۷

به‌دلیل اینکه این منطقه‌ی جغرافیائی همواره در مرکزیت نوعی جاذبه‌ها قرار گرفته است، همواره با مسائلی دست به‌گریبان بوده است. همانگونه که در قرن‌های اخیر محاسبه‌هایی بر روی ثروت‌های زیرزمینی‌اش می‌شد، در طول تاریخ نیز ثروت‌های معنوی‌اش و به‌خصوص موجودیت فرهنگی‌اش به‌تاراج رفته است. ایران بعد از اسکندر کبیر بارها مورد تاخت و تاز و اشغالگری‌های موغول‌ها، تیموریان، عرب‌ها، روس‌ها، انگلیس‌ها، آلمان‌ها،

^۷ علی قفقازی، آنتولوژی ادبیات ترک‌های ایران - شش جلد - انتشارات دانشگاه آتاتورک، ارzurوم، ۲۰۰۲.

فرانسوی‌ها و ارمنی‌ها واقع، موزه‌ها و کتابخانه‌هایش به‌یغما رفته‌است. همانگونه که قبلاً نیز اشاره شد، تحصیل زبان و ادبیات ترکی ممنوع شده بود.

در نتیجه به‌خاطر همان موانعی که قبلاً اشاره شد، رشد و پیشرفت زبان و ادبیات ترکی در ایران متوقف شده و حتی رو به‌افول نهاده ولی قادر به‌از میان بردنش نشدند. مردم با شعوری بزرگ به‌دفاع از سنت ادبیات شفاهی خود پرداخته و ادامه‌ی حیات نیرومند سنت هنر عاشیقی با اراده‌ای محکم توسط هنرمندان مردمی و سروده شدن اشعاری که زبان گویای روح و زندگی مردم بود، توسط شعرا و تداوم کار نویسندگی توسط بسیاری از نویسندگان ترک با سپر قراردادن سینه‌ی خود در مقابل هر مشکلی و حتی با چاپ مخفیانه‌ی آثار خود به‌دوام و پایداری ادبیات ترک می‌پرداختند. بعد از انقلاب اسلامی ایران و بخصوص در ده سال اخیر رمان و داستان‌های ترک ایران پیشرفت‌های چشمگیری داشته‌است.

تکامل رمان و داستان در ادبیات ترک ایران

پیشرفت و تکامل نوع رمان و داستان

انسان در ارتباط با ضرورت طبیعت خود احتیاج به‌روایت خود و برقراری رابطه و انس و الفت با محیط اطراف خود دارد. چنین خواستی از دوره‌ی زندگی قبایل اولیه تا زمان زندگی در جوامع مدرن همواره پا بر جا و بدون تغییر بوده‌است. آنچه که در چنین روندی تغییر یافته‌است، اصولی است که به‌این روابط و انسیت عینیت می‌بخشد.

بشر از زمانی که پا به‌عرصه‌ی زندگی نهاده‌است، همواره در آرزوی آن بوده که آنچه را که از سر گذشته و همچنین خیالات خود را به‌نگارش درآورد. چنین خواستی در طول زمان به‌اشکال مختلفی خودنمایی کرده‌است. در میان این اشکال، شکلی که بیش از سایرین مورد توجه و استفاده قرار گرفته‌است، ادبیات می‌باشد. "انسان در هر نقطه از دنیا می‌خواهد باشد، شادی هایش، حراس هایش، گرسنگی‌اش، سیری‌اش، ثروتمندی‌اش، فقیری‌اش، خسیسی و جوانمردی‌اش، حرس‌ها، حسدها، کینه‌هایش، احساس مالکیت، حسرت جاودانگی، خواست‌ها، مجبوریت‌هایش و ... بوجود آورنده‌ی ملزومات ادبیات می‌باشند."^۱

انسان به‌عنوان لازمه‌ی ادبیات و زبان به‌عنوان واسطه‌ای که مورد استفاده‌ی او قرار می‌گیرد، یکی از پدیده‌های مهمی است که بشر مالک آن می‌باشد. زبان چنان عرصه‌ی پهناوری را احاطه می‌کند که مرزهای ادبیات نیز در نقطه‌ای به گم شدن می‌گراید. یکی از نتایج این پدیده که از دوران‌های اولیه شروع و تا امروز نیز ادامه دارد، "زود زود با سئوالاتی چون آیا آثار ادبی متکی به‌فرد است و یا به‌جمع؟ آیا ادبیات جزء هنرهای زیبا

^۱ - اوچان حلمی، علم ادبیات و نقد، انتشارات هجه، آنکارا، ۲۰۰۳، ص. ۱۷.

است؟ آیا ادبیات منعکس‌کننده‌ی واقعیات باید باشد و یا آنچه که ایدئال هستند را؟^۹ رو به‌رو می‌شویم. مهم‌ترین علت چنین وضعیتی نیز ملزمه‌ای است که مورد استفاده‌ی ادبیات قرار می‌گیرد. همه‌مان در دریائی از زبان به‌دنیا می‌آئیم، به‌وسیله‌ همان زبان صاحب‌شعور می‌شویم، ضمن استفاده از آن زبان به‌هر شکلی (هنری، سیاسی، علمی، واقعی) به‌روایت خود می‌پردازیم.^{۱۰} یعنی زبان نه تنها مال اصحاب ادبیات بلکه مال همه‌ی جامعه می‌باشد. به‌همراه این، "زبان بشر تنها به‌معنی وسیله‌ی تکلم و انتقال اندیشه‌هایش به‌دیگران نمی‌باشد. وقتی صحبت از نظامی به‌اسم زبان در میان است در واقع این نظام چشم، مغز، عقاید و روح انسان است."^{۱۱}

"ادبیات به‌عنوان واسطه‌ی بیان، نهادی است که به‌استفاده از زبان که آفریده‌ی جامعه می‌باشد می‌پردازد. ادبیات "زندگی" را "تمنیل" می‌کند. زندگی نیز حقیقتی است اجتماعی در ابعاد بزرگ. ضمن اینکه در میان چیزهایی که توسط ادبیات "تقلید می‌شود"، دنیای طبیعت و زندگی درونی و ذهنی فرد نیز وجود دارند. نویسنده خود عضوی از جامعه بوده و از جایگاهی در جامعه برخوردار می‌باشد. تا محدوده‌ی معینی در جامعه شناخته شده و آنچه که انجام داده است، قدرش را هم می‌بیند، اگر فرض و تصویری هم داشته باشد، توده‌ی مردم را خطاب قرار می‌دهد. در اصل ادبیات در کل در رابطه‌ای تنگاتنگ با تشکل‌های اجتماعی معینی تولد یافته‌است، حتی در جوامع اولیه شعر قابل تفکیک از آئین، جادو، کار و نمایش نمی‌باشد. ادبیات دارای عملکرد اجتماعی و یا مورد "استفاده"ی دیگری که ظاهراً گرایش مستقیمی را به‌فرد نشان نمی‌دهد نیز می‌باشد. به‌همین خاطر

^۹ - ژاله پارلا، از دون کیشوت تا رمان امروز، انتشارات ایلتیشیم، آنکارا، ۲۰۰۳، ص. ۱۷.

^{۱۰} - آکسان دوغان، قدرت زبان ترکی، انتشارات بیلگی، ایستانبول، ۲۰۰۱، ص. ۱۳.

نگاهی به‌رمان و داستان‌های ترک‌های ایران / ۱۹

اکثریت بزرگی از مسائلی که ضمن تحقیقات ادبی ظاهر میشوند، تقریباً در مراحل پایانی و یا به‌طور مستقیم، به‌شکلی مسائل اجتماعی می‌باشند.^{۱۱}

محققانی که با رویکردی آنتولوژیک (هستی‌شناسی) به‌اثار ادبی می‌نگرند، لزوم حضور اثر ادبی در کدامین طبقه بندی از هستی را در این نقطه زیر سؤال برده‌اند. "اولین مشکلی که با آن روبرو هستیم، این سؤال است که: یک اثر ادبی در درون چه موضوع و چه شیئی قرار می‌گیرد؟ به‌این معنی که آیا واقعی است و یا جزء اشیاء ایدئال می‌باشد؟ این سؤال به طوری که قبلاً نیز اشاره شد، جزء سؤالاتی است که تعیین شیوهی هستی به‌طور خاص اثر ادبی را و در حالت عام آثار هنری را در فراروی خود دارد. و باز همانگونه که گفته‌شد، اثر هنری هم دارای ساختار واقعی (رئال) و هم ایدئال، یعنی غیر واقعی (ایرئال) می‌باشد. به‌همین خاطر "هیچ یک اثر هنری از هر نوعی که می‌خواهد باشد، در مفهوم احساسی کامل خود واقعیتی رئال نمی‌باشد. ساختار پلی فونیک اثر هنری، به‌تنوعی که از دیدگاه شیوهی هستی به‌نمایش می‌گذارد، متکی است."^{۱۲}

آنچه که در اینجا مورد تأکید است، ضرورت چیستی اثر ادبی نمی‌باشد. موضوع اصلی ما چرایی احساس نیاز انسان به‌ادبیات و دلیل موجودیت ادبیات است. انسان به‌اشکال مختلف راه‌های تحقق خویش را جستجو می‌کند. این انسان که موجودی است که همواره اندیشه‌ی تحقق و جاودانگی خود را در سر دارد. یکی از راه‌های جاودانگی و به‌جا نهادن اثری از خود همانا آفریدن اثر هنری می‌باشد. بشر متفاوت از سایر رشته‌های هنری، خلق یک اثر هنری را با استفاده از وسیله‌ای منحصر به‌فرد کشف نموده‌است. این وسیله «زبان» است. در نتیجه‌ی این کشف بشر در درون

^{۱۱} - Wellek, R., Warren, A. تئوری ادبیات.

^{۱۲} - اسماعیل تونالی، آنتولوژی هنر، انتشارات انقلاب، ایستانبول، ۲۰۰۶ ف ص. ۸۹.